

بنام خداوند جان و خرد

شناسنامه اجمالی طرح مستند تلویزیونی

نام: **ایل یار** (نامی آذری به مفهوم یاری کننده ایل و طایفه)

نویسنده: قادر فتاحی و موسی الرضا ابراهیم زاده

محقق: قادر فتاحی و فرهاد زندی

موضوع: علمی فرهنگی اقتصادی

هدف: شناساندن یکی از گونه های نادر شتر در جهان معروف به شتر دو کوهانه که خاستگاه آن کشور ایران و برخلاف تصور عموم که شتر را جانوری مختص مناطق گرمسیری می دانند استان اردبیل بالاخص منطقه دشت مغان مامن و مهد پرورش شتر دو کوهانه بوده و بعنوان ذخیره گاه این گونه حیوانی به شمار می رود.

قالب: مستند تعداد: یک قسمت زمان: ۵۰ دقیقه

زبان: فارسی (دیالوگ هابه زبان ترکی با زیر نویس فارسی)

نوع ضبط: پرتابل ویژه

مقدمه

بدون شک رسالت رسانه ملی در گستره ایران رنگارنگ از شناساندن طبیعت زیبا تا قومیت های گوناگون با فرهنگ های متنوع، خصوصیات اقلیمی تا حیات وحش این سرزمین هزار رنگ بسیار اهمیت داشته و برای بیننده در جای جای جهان جذاب بوده و این آثار را ماندگاری نماید و آنچه بر جذابیت این گونه مستندها می افزاید عبارتند از: تازگی موضوع مستند، کم نظیر بودن آن، بازگشت به عصر پیشینیان خویش، آشنایی با فرهنگ فراموش شده، افزایش آگاهی های علمی و شناخت از چگونگی حفظ این نعمت های الهی.

ویژگیهای این مستند

انسان موجودی است کنجکاو و به دنبال دانسته ها ، از گذشته تاحال ولی آیا این حس در تمامی انسانها یکسان است ؟ ما در این مستند درصدد هستیم از طریق رسانه توجه مردم را نسبت به پیرامون خود و نحوه زندگی پیشینیان و اعجاز خداوند در خلق موجودات مفید برای حیات بشر جلب نماییم .

این مستند ویژگی های عمده ای دارد که به تعدادی از آنها اشاره می شود

۱- منحصر به فرد بودن

۲- بومی بودن

۳- داشتن ابعاد مختلف علمی ، اجتماعی ، فرهنگی ، تاریخی و اقتصادی

۴- جزء طرحهای کشوری و حفاظت از محیط زیست

۵- جزء طرحهای بین المللی سازمان ملل متحد (فائو)

موضوع مستند :

منطقه مغان در شمال استان اردبیل از دیرباز مهد پرورش و زیستگاه شتردو کوهانه در کشور بوده و به عنوان ذخیره ژنتیکی این گونه جانوری به شمار میرود این گونه نادر در سال های نه چندان دور بین عشایر جهت کوچ و حمل و نقل استفاده می شد با ادامه فرایند زندگی ماشینی این موجود در خطر انقراض نسل قرار گرفته به طوری که هم اکنون تعداد آن به کمتر از ۲۰۰ نفر کاهش یافته است و در پی به خطر افتادن و احتمال انقراض نسل این گونه شترهای نادر ، ایستگاه تحقیقاتی در منطقه جهاد آباد مشکین شهر اقدام به تحقیقات در زمینه تغذیه پرورش و اصلاح نژاد آن متمرکز شد و این مرکز بعنوان مرکز هدف برای بررسی و پشتیبانی سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد فائو انتخاب شده و جزء طرحهای این سازمان می باشد که نشان از اهمیت احیای این گونه نادر است

تاریخچه

تاریخچه حضور شتر در ایران به سالهای بین ۵۳۰ تا ۵۷۰ پیش از میلاد برمی گردد و در کتاب اوستا کتاب مقدس زرتشتیان نیز به آن اشاره شده و با توجه به اینکه کوه سبلان مدفن زرتشت پیامبر بوده دلیلی بر خاستگاه این منطقه در پیدایش شتر دو کوهانه می باشد که تصاویری از سنگ نوشته ها با نقوشی از شتر در کوه سبلان موجود است

ابعاد علمی این مستند

برخلاف باور عموم که شتر را حیوانی مختص مناطق بیابانی و گرمسیری می دانند شتر دو کوهانه به سبب داشتن سم های قوی و کرک پشم فراوان مناسب اقلیم سرد و خشن کوهستانی مناطق شمال ایران بوده اند ، این شتر دارای استخوان های بزرگ و قوی پاهای نسبتا کوتاه کوهان گرد لب های بزرگ پوشش ضخیم کف پای مسطح و میانگین پشم آنها ۵ تا ۸ کیلوگرم بوده و در یک دوره شیردهی ۷۰۰ الی ۸۰۰ کیلو شیر تولید می کند بلوغ آنها ۱۴ سالگی و دوره آبستنی ۱۳ ماه می باشد و میتواند دمای بالای ۴۰ و زیر ۴۰ را براحتی تحمل نماید عمرشتر بین ۳۰ تا ۴۰ سال بوده و به ندرت بیماری شود که ابعاد علمی این مستند بصورت گرافیکی و سه بعدی و مشروح تهیه خواهد شد

اهمیت اقتصادی این مستند

این حیوان علاوه بر اینکه از گذشته وسیله حمل و نقل و محور اساسی تجارت جاده ابریشم بوده گوشت آن یکی از سالمترین گوشتها بوده شیر آن سرشار از مواد مغذی و منحصربه فرد بوده و کوهان آن بعنوان کره و منبع اصلی تولید لوازم بهداشتی است پشم این گونه شتر بعلت قطریلیف و طول بلند آن جروبهرترین الیاف برای تولید گلیم لباس می باشد و شاید بی راه نباشد که به گفته محققان اگر شتر در زندگی بشر راه نمی یافت تمدن در آسیا و آفریقا شکل نمی گرفت

جایگاه شتر در اقتصاد امروزی

امروزه به شتر بعنوان یکی از محورهای جذب گردشگر نیز نگاه می شود که حتی با تلفیق ژنتیکی میتوان گونه های تزئینی با نگاه اقتصادی تولید نمود که یکی از این گونه ها که به روش لقاح مصنوعی و علمی در مرکز جهاد آباد تولید شده که بهنیا نام دارد که به همت محققان ایرانی برای اولین بار صورت گرفته است که با سرمایه گذاری علمی و مالی علاوه بر جلوگیری از انقراض نسل شتر دو کوهانه میتوان به منابع درآمدی جدیدی از این پروژه دست یافت. در عین حال نیاز به محصولات تولیدی از این حیوان در حال حاضر زیاد شده که دلیل دیگری بر سرمایه گذاری روی حفظ ، بقا و تکثیر این گونه حیوان دارد..

اهمیت فرهنگی

شتر از دیر باز در فرهنگ عامه مردم آذربایجان نیز نقش به سرایی داشته از جمله در ادبیات و فرهنگ عامه آیین ها و رسومی چون عزاداری و جشن ها نقش و نگار قالی ها و بافته های دستان زنان و لباس ها و زیورآلات سازه های سفالی و الواح سنگی تاریخی همه حکایت از عجبین بودن نقش شتر در میان قبایل عشایر و ایلات آذری بوده است

ساختار و شیوه نامه این مستند :

بر روی جاده ای پر پیچ و خم آسفالتی یک شتر دو کوهانه که دهانه اش بر دست یک پیرمرد قرار دارد در حال گذر است و روی به خط افق روبروی تصویر می رود. یک تصویر بسیار گسترده را که همراه با صدای زنگوله های شتر بر فضا حاکم است می بینیم ، صدای محیط می آید . صدای بوق های یک تریلی بسیار بزرگ بر روی صدای صحنه شنیده می شود .

صدای تریلی نزدیک می شود و بوق زنان از کنار مرد و شتر اش با سرعت حرکت می کند و به اعماق تصویر می رود . صدای بوق ممتد تریلی بر روی تصویر شنیده می شود. مرد شتریان با آرامش و طمانینه خاصی در حرکت است . و شتر نیز به تبعیت از وی با دهانی جنبان به دنبال صاحبش در حرکت است صدای رادیو می آید رادیوی را می بینیم که بر کنار جهاز شتر آویزان است صدای رادیو محلی است... و موسیقی آذری در حال نواختن است . و این موسیقی به صحنه های دیگر نیز بسط می یابد.

صدای گوینده می آید ، معلوم نمی شود که این صدا از رادیو شنیده می شود یا صدای پیرمرد است و یا شتر.

عمر اصلی نسل ما به ۵۰۰۰ هزار سال هم می رسد، ما خدمات خود را به بشریت از کمک به عشایر آسیای مرکزی مغولستان و چین شروع کردیم. بیش از هزاران سال است که به فلات ایران آمدیم ، بخش هایی از فلات ایران جای مناسبی برای زندگی ما نبود. ما و نفراتمان با سرما الفتی دیرینه داشتیم و بیشتر شمال غرب ایران را برای زندگی و رشد و ازدیاد جمعیت مناسب یافتیم. کم کم جایگاه مناسبی میان ایل پیدا نمودیم. نماد شوکت ایل شدیم . خانواده من و عموزادگانمان نماد برکت و ثروت ایل شاهسون شدیم. البته خیلی ها فکر می کنند جاده ابریشم و تجار چینی با ابریشم های بی بدیلشان سرنوشت طایفه ما را با این سرزمین مغان گره زدند و ما ماندگار شدیم.

تصاویر نقشه ها و تصاویر آرشیوی مربوط به متن در این بخش استفاده خواهد شد. و تصاویری از سنگ نوشته ها و سنگ هایی که شبیه شتر است و در جای جای استان اردبیل وجود دارد دیده می شود. و در بخش جاده ابریشم از حدود مسیر جاده ابریشم در استان اردبیل تصویر هوایی خواهیم دید.

به تصویر ابتدایی مستند بر می گردیم. تصویر بسته ای از رادیو که حال خواندن است و موسیقی آذری شنیده می شود. صدای بوق های ماشینی شنیده می شود. پیرمرد سعی می کند شتر را آرام کند. یک خانواده جوان با یک بچه در کنار جاده پارک کرده اند می خواهند با شتر عکس یادگاری بگیرند. صحبتی میان خانواده جوان صورت می گیرد و در مورد ساختمان بدنی و فیزیولوژی شتر حرف می زنند و صحبت بر روی این است که این شتر با شترهای سایر نقاط ایران که ما دیدیم فرق می کند. این دو کوهانه است.

تصویری از سر در مرکز تحقیقات و پژوهش شتر دو کوهانه جهاد آباد مشکین شهر دیده می شود. پیرمرد با شتری که قبلا وی را در جاده دیده ایم به مرکز تحقیقات می رسد. در مرکز تعدادی کارشناس در مورد فیزیولوژی شتر تحقیق می کنند و ما به واسطه صحبت های آنها با ساختمان بدنی و تفاوت آنها با سایر گونه های شتر در فلات ایران آشنا می شویم. تصاویر سه بعدی آناتومی شتر را بر روی مانیتور های گروه تحقیق می بینیم. گروه با وسواس خاصی در حال بحث و گفتگوی در مورد شتر دو کوهانه هستند و در این هنگام که ما با فیزیولوژی شتر آشنا شدیم. دوباره صدای رادیو می آید و موسیقی آذری بخش می گردد

و ما پیرمرد را می بینیم که در حال نزدیک شدن به چند آلاچیق عشایر که (کمی دورتر به چشم می خورد) درییلاق دشت مغان هستند....

ما از جان مایه گذاشتیم و در این دشت ها و کوهها گشتیم با مردم ایل یکی شدیم و در خوشی ها و نا خوشی هایشان شرکت کردیم و داستان ما و ایل شاهسون سرشار از رشادت ها و برکت و عزت بود. از راهها و گذرگاه های صعب العبور گذشتیم در سرما و گرما پا به پای ایل بودیم و در نغمه های و فرهنگ عامیانه ایل بودیم و جای پایمان هنوز در جابجای زندگی و سرنوشت عشایر دشت مغان وجود دارد

نغمه ای از موسیقی آشیقی مرتبط با شتر از رادیو بخش می شود و بروی تصویر پیرمرد با شتر در حال عبور از راه ها و گذرگاه های دسترسی به چند آلاچیق هستند در لحظه های نزدیک شدن به آلاچیق صدای تولد کودکی شنیده می شود. این صدا با صدای سرنا و بالابان اوج می گیرد. مجلس شادی ایل است و مراسمی از ایل و مردمانی که جمع شده اند و برای تولد کودکی شادی می کنند ریش سفیدی برمی خیزد و به نوازنده ها اشاره

می کند که کافی است و موسیقی قطع می شود. بچه دست به دست می شود و تصاویری از مردم که در سکوت مشغول تماشای این صحنه هستند و کسی از ریش سفیدان به گوش نوزاد اذان می خواند و چند مهمان شهری نیز در بین مهمانان دیده می شود. پیرمرد در این که کار اذان گفتن تمام می شود بر می گردد و نوزاد می بوسد و دست پدرش می دهد و می گوید درست است که از قدیم گفته اند اولاد دا ننوه دولته ددوه و بحث پیرامون شتر در عشایر و فرهنگ و فولکور منطقه و عشایر اوج می گیرد و هر کسی از حاضرین در مورد شتر چیزی می گویند . و نهایت به پیرمرد همراه شتر می گویند کی شتر را تحویل می دهد و او می گویند که دیگر چیزی نمانده تا عصر فردا به فتحعلی قشلاقی می رسم و شتر را تحویل خواهم داد.

پیرمرد به همراه شتر اش به راه می افتد

رادیو در حال خواندن است موسیقی آذری همراه با صدای محیط آمیخته

به جای تمامی اجدادم و عمو زادگانم به راه افتاده ام، قرار است سفری را آغاز کنم و سفر مرا به سرزمین های بیشتری خواهد برد و در این سفر تمام آنچه را که در طول صدها سال اجدادم زندگی کرده و رنجها برده اند را به مردمانی که خواهم دید برسانم. و من پیام آور قرن ها زندگی در این سرزمین پر برکت و امروز در راهم و آنچنان که قرن ها در راه بوده ایم . امروز روزی است که می روم که بمانم و ماندگار شوم من سفیر امروز و دیروزهایم.

شتر و پیرمرد در مسیر خود به یک مرکز نگهداری شتر می رسند و گروهی از دامپزشکان را می بینیم در حال بررسی شتر ها هستند و واکسناسیون شترهای دیگر را انجام می دهند و یکی از آنها به شتربان و شتر اش نزدیک می شود در آنجا با صحبت گروه دامپزشکان آشنا می شویم و در مورد توانایی ها و محصولات لبنی و پشمی و غیره... شتر دو کوهانه به واسطه صحبت های گروه آشنا می شویم. پیرمرد خداحافظی می کند و به همراه شتر به راه می افتد.

من قدر این کوه ها را می دانم و جب به جب این دشت ها و کوهها را سالهای سال پیموده ام و اکنون آنچه که این طبیعت دارد را باید از جان و دل حفظ کرد ان گونه که اجدادم کوششهای فراوان کرده اند و این سرزمین را حفظ کرده اند من نیز این سرزمین را همانگونه به نوادگانم خواهم سپرد.

پیرمرد و شتر اش به یک تیم محیط بانی می رسند بعد از احوال پرسی و تیم محیط بان در خصوص اینکه این شتر چه اندازه با محیط زیست دوست است و چه فوایدی برای محیط زیست و مزارع دارد سخن می گویند.

پیرمرد به همراه شتراش راه می افتد و نهایتاً به یک مرکز گردشگری می رسد...تعداد زیادی از گردشگران در محل مورد نظر در حال بازدید هستند. با دیدن پیرمرد و شتر اش به سمت او می آیند و مشغول عکسبرداری می شوند. و صحبتها در مورد این شتر منحصر به فرد بالا می گیرد. پیرمرد کمک می کند که چند کودک از شتر سواری بگیرند.

کسانی از افراد محلی مشغول داد و ستد محصولات لبنی شتر هستند. و کسانی از پشم شتر جوراب و سایر وسایل مورد نیاز مشتریان را می فروشد. و پای توضیحات فروشندگان با مشتریان هستیم. در مورد خواص این محصولات سخن می گویند.

دوستی ما با نسل بشر قدمتی دیرینه دارد و ما به پاس همراهیمان با بشر نفر شدیم و در گرما و سرما همراهیش کردیم کمک حالش بودیم و امروز دیگر آن کارکرد گذشته را نداریم و اکنون دیگر آن اهمیت گذشته را در حمل و نقل و راه نداریم امروز ما با تولید محصولات لبنی و پشم، باز هم همراه وی هستیم. ظاهراً ساکنان این سرزمین استفاده کردن از این محصولات را برای خودشان دارای فایده های بسیار دانسته اند.

پیرمرد همچنان در حال حرکت است و جاده طولانی و شتر و پیرمرد به سمت انتهای جاده در حرکت هستند.

من جانشین تمام اجدادم و عموزادگانم برای رفتن به سفری هستم طولانی و دراز و این راه مرا خواهد برد به بیکران ها به سرزمینهای دور به راههایی و دشت ها و بیابانهای که شاید هیچ یک از اقوام من حتی در آنجا قدمی نگذاشته اند و من امروز رهسپار آن راهم راهی به موازات تاریخ زندگی ما

پیرمرد به محل فروش و نگهداری شترها می رسد و این محل در نزدیکی جعفرآباد از توابع بيله سوار قرار دارد. صاحب آن محل انگار که دوستی دیرینه ای با صاحب شتر دارد با چشم مشتری به شتر نگاه می کند و پاها و قسمت های مختلف بدن وی را مورد بررسی قرار می دهد. و به پیرمرد می گوید که اگر قصد فروش شتر را دارد می تواند آن را به قیمت خوبی بخرد ولی پیرمرد می خندد و می گوید این شتر دست او امانت است و قرار است که آن را به دست یک نفر برساند. و در مورد قیمت روز شتر سخن می گوید. و اینکه اگر فروشنده است وی خریدار است و پیرمرد می خندد و خداحافظی کرده و دور می شود.

شتر و مرد در راهند. نهایتاً در جایی اتراق می کنند و مرد را در حالی که منتظر کسی است را می بینیم آتشی فراهم کرده و شتر هم در نزدیکی آتش نشسته است. شب است.

این ساعتها و روزها و شب ها و همراهی من با نوع بشر قدمت دیرینه دارد، من همه جا با بشر بودم و خوب می دانم که احساسی بین من و نوع بشر وجود دارد که ناگفتنی است من شاهد دلاوری های شگفت آوری بودم و همراه دلاوران شاهسون در مرزداری این خاک و بوم ایستاده ام و مردانگی این قوم را ستوده ام هنگامی اشغالگران این مرزها را زیر چکمه های خود گرفته اند و من بودم و تاریخ این رشادتها را خوب به یاد دارم.

ماشینی از تاریکی جاده می رسد و نزدیک مرد و شترش می شود و دو نفر از ماشین پیاده می شوند و در نهایت به پیرمرد نزدیک می شود مشخص می شود که مردی که آمده آقای رودانی است آقای رودانی دوست دار محیط زیست است و در نهایت تصمیم دارد با شتر دو کوهانه به دور دنیا سفر کند (در جهت شناساندن شتر دو کوهانه به جهان جلب حمایتهای سازمانهای جهانی مرتبط). پیرمرد شتر را تحویل رودانی داده و وسایل خود را جمع کرده و با شتر خداحافظی کرده و دور می شود.

رودانی شتر را برای سواری طولانی مدت محیا می سازد. بعد از شناساندن هدف رودانی در صحبت با مدیران و کارشناسان سفر جهانی وی با استقبال مدیران و مردم بومی منطقه طی مراسمی آغاز می شود. اولین کشور مقصد جمهوری آذربایجان با پیوندهای دیرین فرهنگی و اجتماعی می باشد. و این سفر با گذر رودانی از مناطق مختلف جمهوری آذربایجان و استقبال مردم و بررسی پیشینه حیات شتر دو کوهانه در منطقه قفقاز انجام می گیرد. و وی در ادامه این سفر از کشورهای گرجستان ترکیه یونان و به سمت اروپا راهی می شود تا به مقر فائو برسد در ادامه این سفر به توسط عکسها و فیلمهای ارسالی از مناطق مختلف جهان تیتراژ پایانی را می بینیم.